خصوصیات اقراء سنت و عدم ملازمه آن با تحدی

حال در مورد مطلب روایت که فرمودید جمع‌بندی کنیم. من عرض کردم ممکن است در کلمه «وسّع علی امتی» حیثیاتی ملحوظ شود؛ اگر توسعه در مکلفین و حال آن‌ها باشد فقه می‌شود. اگر توسعه‌ای شبیه «فوض الیه امر دینه» باشد، اقراء به سنت می‌باشد. البته آن هم از ناحیه خدا است.

فکر باید خیلی پایین باشد تا بگوید حضرت خودشان قرآن درست می‌کنند! معلوم می‌شود که اولیات مطالب را نمی‌دانند. و الا نحوی که وجود مبارک انبیاء و اوصیاء هستند را ما سر در نمی‌آوریم که به چه صورت است.

در حدیث شریف کساء ببینید؛ «فلما اکتملنا جمیعا تحت الکساء اخذ ابی رسول الله بطرفی الکساء»، بعد حضرت چه گفتند؟ پیامبر بلد هستند که چطور دعا کنند. یعنی دعاء حضرت اراه‌ص وحی است. حضرت چه گفتند؟ فرمودند «هولاء اهل بیتی خاصتی.. اذهب عنهم الرجس و طهرهم تطهیرا». این دعا با وحیی که قرار است بیاید ارتباط دارد یا ندارد؟! آن هایی که بخواهند به دقائق توجه کنند می‌بینند. حضرت می‌خواهند بگویند همانطوری حضرت صدیقه گفتند فقال الله عز وجل...؛ و لذا دارد «لا تُحَرِّكْ بِهِ لِسانَكَ لِتَعْجَلَ بِهِ[1]». «لاتحرک» همین بود. این دم و دستگاه وحی است. وقتی خبر ندارید حرف‌هایی می‌زنید.

منظور این‌که این یک چیز کاملاً معقولی است. ولو از نظر ادله اثباتیه بینی و بین الله باید برای من صاف شود. یعنی ما در فضای تحقیق علمی باید به اطمینان برسیم. ولی احتمالش مطرح می‌شود تا جلو برویم.

شاگرد: با این حساب، شأن تحدی هم باید باشد و مشکلی نداشته باشد.

استاد: نه، ملازمه ای ندارد. ببینید من عرض کردم که جوهره تحدی به این است که خدای متعال کتاب خودش را –که کتاب مکنون است- به این صورت قرار داده که معادل تکوینی است. آیات حسابی هم دال بر این هست. من آن‌ها را جمع‌آوری کردم و در صفحه‌ای گذاشته‌ام. بنابراین تحدی برای آن جا است که ریخت کاشفیت از تکوینی به نحو تدوینی تکوینی و به‌نحوی‌که تکوینی، تکوینی است، داشته باشد. نحوی که تکوینی، تکوینی است به چه صورت است؟ تنها کلیدی که ما پیدا کردیم همین بود؛ اگر امیرالمؤمنین صلوات الله علیه همینطوری فرموده بودند «اجری جمیع الاشیاء علی سبعه»، مثل من طلبه اجازه نداشتم؛ اگر شما هم می‌گفتید من اشکال می‌کردم. خب حضرت فرموده‌اند «اجری جمیع الاشیاء علی سبعه»، این‌که شما آن را به سبعة احرف قرآن بزنید شواهد عدیده‌ای می‌خواهد. همینطور نیست که شما آن را به این بزنید. یادتان هست که مکرر عرض کرده بودم.

چرا «اجری جمیع الاشیاء» را به سبعة احرف زده‌ایم و گفتیم تکوینی و تدوینی در سبع است؟ چون خود امام علیه‌السلام «اجری جمیع الاشیاء» را در بیان لیلة القدر فرموده بودند. این خیلی فرق

می‌کند. حضرت فرمودند «اعطی‌ک شرحا للیلة القدر تکون اعلم بالدک بلیلة القدر». یعنی حضرت در مقامی هستند که می‌خواهند توضیح بدهند آن هم به نحو اعلم اهل بالد و او را آگاه کنند به لیلة القدر. در اینجا است که درست می‌شود. یعنی خود امام علیه‌السلام دارند اشاره می‌کنند. لیلة القدر است. لیلة نزول قرآن است. حضرت می‌فرمایند اجری جمیع الاشیاء علی سبع. منظور من روشن است؟ همینطوری نمی‌توانیم یک روایت را به روایت دیگر بزنیم.

البته محتملات مانعی ندارد. اما استظهار نیست. استظهار این است که به امام نسبت می‌دهیم. الآن می‌گویی امام علیه‌السلام دارند لیلة القدر را توضیح می‌دهند. می‌گویند توضیح لیلة القدر این است: «ان الله فرد یحب الوتر، فرد اصطفی الوتر فاجری جمیع الاشیاء علی سبع». بعد هم هفت آیه می‌خوانند.

شاگرد: از عموم «جمیع اشیاء» نمی‌توانیم استفاده کنیم؟

استاد: چرا!

شاگرد: البته در خصوص لیلة القدر بودنش، قضیه را محکم می‌کند. اما شما فرمودی اگر در اینجا نمی فرمود، نمی‌توانستیم استفاده کنیم.

استاد: نه، در توضیح لیلة القدر. ببینید اگر حضرت می‌فرمودند «اجری جمیع الاشیاء علی سبعة»، تمام شد.

شاگرد: که یکی از اشیاء نزول کتاب الله است.

استاد: خیلی خب، ولی ما می‌خواهیم بگوییم تکوین هفت تا با تدوین هفت تا به وزان هم هستند. دیروز نگاشت را عرض کردم. می‌خواهم این نکته را توضیح بدهم. و الا فرمایش شما خوب است که حضرت جمیع اشیاء را فرمودند. مثل خزائن است. یکی از اشیاء خود قرآن است که خزائن دارد. در اینجا هم می‌فرمایند یکی از اشیاء کتاب است، پس اجری علی سبعة. این عرض من نیست. من می‌خواهم تحدی را به این بگویم که امام علیه‌السلام می‌خ لیلة القدر را می‌کوبند. اجری جمیع الاشیاء علی سبعة. در توضیح چه چیزی؟ در توضیح لیلة القدری که مربوط به نزول قرآن است.

بنابراین اگر قرآن در لیلة القدر نازل می‌شود و توضیح لیلة القدر هم این است که «اجری جمیع الاشیاء علی سبعة»، نتیجه می‌شود که بین این هفت با آن هفت موازنه است.

شاگرد: در روایت تفویض داریم که « ادب بآداب» آداب را و مصالح و مفاسد را ای دادند، بعد بحث تفویض و تشریع به خود حضرت واگذار شده بود. در برخی از روایات هم دارد که این برای تعظیم حضرت است. چه ایرادی دارد که بگوییم وقتی جوهره قرآن به حضرت نازل شده، اینجا هم به همان جهت است. یعنی وقتی حضرت تکوین را میدانند تدوین را هم مانند همان انجام می‌دهد. تفاوتی ندارد.

استاد: تفاوت می تواند کند. من در نکردم بلکه می‌خواهم بگویم ملازمه و کلیت ندارد.

---

[1] القای‌مه ۱۶

بازبینی #2
ایجاد شده 13 آوریل 2024 12:57:32 توسط ... .
به روزرسانی شده 22 مه 2024 14:01:05 توسط ... .